

ارزیابی موقعیت زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی در فرانسه

مقدمه

فرانسه یکی از کشورهای بزرگ و صاحب فرهنگ و تمدن دیرینه در اروپاست. قدمت زبان و فرهنگ فرانسه به قرن‌های دور می‌رسد. این در حالی است که در کشور پهناور فرانسه با ۶۰ میلیون جمعیت بنا بر قانون اساسی، فقط زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی و اداری کشور به رسمیت شناخته می‌شود. امری که در سال‌های اخیر مورد اعتراض بسیاری از جوامع و مناطق فرانسه در چهار گوشه کشور واقع شده است. در فرانسه با توجه به پیشینه تاریخی این کشور مناطق و جوامعی وجود دارد که مردم آن منطقه با زبان محلی خود صحبت می‌کنند و فرهنگ خاص محلی خود را دارند. این زبان‌ها و فرهنگ‌ها

بیش از ۳۰ مورد است. در سال‌های اخیر مردم و مسئولان از جمله نمایندگان مجلس این منطق خواستار به رسمیت شناخته شدن زبان و فرهنگ خود در کنار زبان رسمی فرانسه شده‌اند. امری که از نظر قانونی هنوز رسمیت نیافته است و قانون اساسی به عنوان سدی در برابر این خواسته زبانی - فرهنگی وجود دارد. در این گزارش تلاش می‌شود به اجمال به ارزیابی موقعیت زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای فرانسه پرداخته شود. در این میان نقش قانون اساسی فرانسه، «منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های منطقه‌ای و اقلیت». موافقان و مخالفان زبان‌های محلی و چشم‌انداز کنونی سیاسی فرانسه در این باره بررسی شود.

قانون اساسی فرانسه

ماده دوم قانون اساسی فرانسه اشعار می‌دارد که: زبان فرانسه زبان جمهوری است. برداشت و تفسیر رسمی از این ماده قانونی این است که سایر زبان‌ها در کنار زبان فرانسه به رسمیت شناخته نمی‌شود. به دنبال امضای منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی از سوی دولت فرانسه، شورای قانون اساسی فرانسه که بالاترین مرجع تفسیر قانون اساسی کشور است، با توجه به درخواست ژاک شیراک رییس جمهوری، در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ اعلام کرد: «ملیت فرانسوی یکی است و فرانسه هیچگاه وجود اقلیت‌ها را در داخل خود به رسمیت نشناخته است. شورا تقسیم کردن مردم فرانسه را (از طریق زبان‌های مختلف) رد می‌کند و برابری همه در برابر قانون اساسی و وحدت ملت فرانسه را بار دیگر تأکید می‌کند.

در واقع از دید شورای قانون اساسی فرانسه، به رسمیت شناختن زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی مغایر با اصل تفکیک ناپذیر بودن جمهوری و خدشه به وحدت ملی فرانسه است. این در حالی است که ژاک شیراک یک روز بعد از دادن مجوز به پیرمسکوویچی وزیر امور اروپایی فرانسه برای امضای منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌ها، از شورای قانون اساسی خواست تا مطابقت این منشور اروپایی با قانون اساسی فرانسه را بررسی کند. شورای قانون اساسی در تاریخ ۱۷ ژوئن سال ۱۹۹۹ اعلام کرد که منشور اروپایی دربردارنده مواردی مغایر با

قانون اساسی فرانسه است.

باتوجه به مخالفت جناح‌های سیاسی و تفاسیر مختلف از قانون اساسی سپس شیراک از کمیته عقلا شورای حکومتی نظرخواهی کرد و کمیته عقلا اظهار کرد که مفاد منشور اروپایی به طور مشروط و نه مطلق با مفاد قانون اساسی منطبق است و مغایرتی دیده نمی‌شود. و تصویب آن در مجلس فرانسه مشکلی برای قانون اساسی ایجاد نمی‌کند. در واقع تعداد بسیار کمی از مواد منشور اروپایی کم‌وبیش مغایر با بعضی اصول قانون اساسی است.

منشور اروپایی زبان‌ها و

فرهنگ‌های محلی

شورای اروپا که دربرگیرنده تقریباً کلیه کشورهای شرق و غرب اروپاست در سال ۱۹۹۲ منشوری را با عنوان «منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و اقلیت» تصویب کرد که براساس آن کلیه کشورهای عضو موظف شدند این منشور را به امضا برسانند، از تصویب مجلس بگذرانند و به اجرا بگذارند.

شورای اروپا خود بنا بر پیمان لندن در سال ۱۹۴۹ پایه گذاری شد و قدمتی بیشتر از جامعه اقتصادی اروپا (و سپس اتحادیه اروپا) دارد که براساس پیمان رم در سال ۱۹۵۷ به وجود آمد. اهداف شورای اروپا بیشتر ناظر بر مسائل فرهنگی، حقوق بشر و ارتقای دموکراسی در قاره اروپا و کشورهای عضو آن است. تاکنون ۱۷ کشور از کشورهای عضو

شورای اروپا منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی را امضا کرده‌اند و از این تعداد هشت کشور آن را به تصویب مجلس خود رسانیده‌اند. فرانسه نیز در تاریخ ۷ مه سال ۱۹۹۹ در مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس شورای اروپا در بوداپست این منشور را امضا کرد. این منشور را پیر مسکوویچی وزیر مشاور امور اروپایی دولت فرانسه و با داشتن اختیارات تام از ژاک شیراک رئیس جمهور، امضا کرد.

امضای این منشور محدود به استفاده از زبان‌های محلی در دادگاه‌ها و در ادارات دولتی و بخش‌ها و نهادهای عمومی است. مهم‌ترین مسئله هم اکنون تصویب منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و اقلیت در مجلس فرانسه است که این امر مغایر با قانون اساسی شمرده شده است و در صورت توافق جناح‌های سیاسی باید از طریق اصلاح و تجدید نظر در قانون اساسی محقق شود.

مخالفان زبان‌ها

و فرهنگ‌های محلی

مطرح کردن شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی قبلاً یک تابو در جامعه فرانسه بوده و کم‌تر کسی جرئت طرح آن را داشته است. لکن این موضوع هم اکنون اهمیت خود را پیدا کرده، و در جامعه مطرح شده است که البته مخالفان قدرتمندی نیز دارد. هم‌اکنون ژاک شیراک رئیس جمهوری نتوگلیت، شورای قانون اساسی، احزاب دست راستی و بعضی احزاب دست چپی کوچک با رسمیت یافتن زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای در فرانسه مخالف هستند. علت این مخالفت خدشه وارد شدن به وحدت و یکپارچگی کشور و موقعیت زبان فرانسه ذکر می‌شود. البته دعوای سیاسی نیز در این مخالفت دخیل است.

مخالفان زبان‌های محلی ترس این را دارند که تنوع زبانی به ثبات و استقرار و

مخالفان این منشور محدود به استفاده از زبان‌های محلی در دادگاه‌ها و در ادارات دولتی و بخش‌ها و نهادهای عمومی است. مهم‌ترین مسئله هم اکنون تصویب منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و اقلیت در مجلس فرانسه است که این امر مغایر با قانون اساسی شمرده شده است و در صورت توافق جناح‌های سیاسی باید از طریق اصلاح و تجدید نظر در قانون اساسی محقق شود.

منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و اقلیت، حمایت از زبان و فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای را تضمین می‌کند و آن را به عنوان جزئی از حقوق و آزادی‌های اساسی به رسمیت می‌شناسد. لکن حقوق جدیدی را برای کسانی که با آن زبان صحبت می‌کنند، به وجود نمی‌آورد. به‌رغم موافقت ژاک شیراک رئیس جمهوری با امضای این منشور، وی هم‌اکنون با تغییر قانون اساسی برای فراهم آوردن شرایط تصویب این منشور در مجلس فرانسه مخالف است.

در حالی که هر کشوری که بخواهد عضو

از دید شورای قانون اساسی فرانسه، به رسمیت شناختن زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی مغایر با اصل تفکیک‌ناپذیر بودن جمهوری و خدشه به وحدت ملی فرانسه است.

وحدت کشور لطمه بزند. این افراد معتقدند از زبان فرانسه در برابر زبان‌های آنگلو ساکسون و از حفظ موقعیت زبان فرانسه در گستره بین‌المللی حمایت می‌کنند. دولت دست راستی فرانسه در سال ۱۹۹۶ به ریاست آلن ژوپه از حزب تجمع برای جمهوری RPR نیز با امضای این منشور مخالف بود. هم‌اکنون نضج‌گرایش‌های استقلال‌طلبی در برخی از کشورهای همسایه مثل بلژیک و یا ایتالیا که جوامع زبانی و فرهنگی در آن‌ها قوی است موجب هراس این افراد می‌شود.

مخالفت با زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی ریشه در تاریخ و وضعیت سیاسی گذشته فرانسه دارد. مثلاً در سال ۱۷۹۱ یعنی دو سال بعد از انقلاب کبیر فرانسه، تألیران در مجلس ملی فرانسه ضد زبان‌های محلی سخنرانی کرد و آن را جلوه‌ای از حاکمیت فتودالیه دانست. انقلاب فرانسه در مسیر حرکت خود اندیشه یک زبان ملی و یکپارچه را به عنوان مظهر وحدت کشور جا انداخت. در واقع در این مقطع ترس از چگونگی یکپارچگی کشور باعث تأکید بر وحدت زبانی و اهمیت بخشیدن به زبان فرانسه در برابر زبان‌های محلی و منطقه‌ای و حاکمیت

محلی و فتودالان شد. بعضی معتقدند که اقدام شیراک در فراخوانی شورای قانون اساسی برای انطباق منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌ها با قانون اساسی فرانسه، به نوعی به تله انداختن دولت سوسیالیست ژوسپن است که علاقه‌مند به تنوع فرهنگی در کشور است. در واقع شیراک با این اقدام و مشورت با شورای قانون اساسی توپ را در زمین موافقان منشور اروپایی انداخته است که هم دولت را در دست دارند و هم در مجلس از اکثریت برخوردارند. از طرفی شیراک ترس آن را دارد که در صورت موافقت با این منشور، با انتقاد و رویارویی نمایندگان هم‌حزبی خود RPR و دیگر جناح‌های دست راستی در مجلس روبه‌رو و موضع رهبری‌اش بر حزب RPR تضعیف شود. خصوصاً این که انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ نیز در پیش است و وی به هیچ وجه تمایل ندارد موقعیت خود را در این انتخابات از هم اکنون تضعیف کند. در واقع شاید شیراک بدش نیاید منشور اروپایی زبان‌ها از طریق دولت و اکثریت پارلمانی آن به تصویب برسد، بدون اینکه موقعیت اساسی او به خطر افتد.

در میان مخالفان زبان‌های محلی ژان پیر شوتمان وزیر کشور سوسیالیست فرانسه و شارل پاسکوا وزیر کشور سابق و از رهبران دست راستی قرار دارند. شونمان اگر چه سوسیالیست و عضو کابینه دست چپی است لکن مخالف به رسمیت شناختن زبان‌های منطقه‌ای است و معتقد است زبان‌های محلی

مجلس آن دشوار می‌سازد. خصوصاً این که زوسپن امید زیادی برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۲ دارد و مایل نیست از هم اکنون موقعیت سیاسی - حزبی خود را به خطر اندازد.

موافقان زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی

در بین موافقان «منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و اقلیت» در فرانسه، اکثریت چپ مجلس، دولت سوسیالیست و شخص نخست وزیر قرار دارد. دولت سوسیالیست در تاریخ ۷ ژوئن سال ۱۹۹۹ با حمایت کامل ژاک شیراک رئیس جمهوری منشور اروپایی زبان‌ها را در بوداپست در جریان مراسم پنجاهمین سالگرد تأسیس شورای اروپا، امضا کرد. دولت هم‌چنین علاقه‌مند است این منشور را هر چه زودتر از تصویب مجلس بگذرانند که در این راه با مشکل قانون اساسی مواجه است.

لیونل زوسپن معتقد است زبان‌ها و فرهنگ‌های منطقه‌ای بخشی یکپارچه از میراث فرهنگی فرانسه است و تعدد و تکثر زبان به هیچ وجه در مقابله با اتحاد کشور نیست. از طرفی طرفداران زبان‌های محلی به زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی و مشترک کشور اعتقاد دارند؛ اما به زبان محلی خود نیز علاقه‌مندند. در دسامبر سال ۱۹۹۸ حدود ۶۰۰۰ نفر به نفع امضای منشور اروپایی زبان‌ها و اصلاح ماده ۲ قانون اساسی، راهپیمایی کردند. موافقان معتقدند شناسایی زبان‌ها و

موجب بالکائی شدن فرانسه می‌شود و از آن جایی که با ریشه‌های قومی سروکار دارد و ابراز احساسات قومی جدایی‌طلبان را تشویق می‌کند، لذا نباید به رسمیت شناخته شود. ظاهراً مسئولان که با مسائل حفظ امنیت کشور سروکار دارند، به دلیل ترس ناشی از باورهای قومی، چندان علاقه‌ای به شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای ندارند.

بنابراین در سطح فرانسه هم اکنون سه مانع عمده بر سر راه شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی قرار دارد. رئیس جمهوری و شورای قانون اساسی از یک طرف و احزاب و شخصیت‌های مخالف وحدت اروپا و قدرت یافتن اروپای فدرال در کنار تضعیف حاکمیت ملی کشورها از طرف دیگر. شیراک هم‌چنین نگرانی خود را از تکرار جنگ‌های قومی - مذهبی که در گذشته بین جوامع مختلف فرهنگی - زبانی به وقوع پیوست، کتمان نمی‌کند. البته این موضوع در جامعه امروزی فرانسه چندان نمی‌تواند مطرح باشد.

از طرفی حساسیت زیاد در برابر برتری زبان انگلیسی در گستره جهان و دل‌نگرانی از حفظ موقعیت زبان فرانسه موجب مخالفت با زبان‌های محلی و منطقه‌ای می‌شود.

ژاک شیراک هم‌چنین در تاریخ ۲۴ ژوئن سال ۱۹۹۹ تقاضای لیونل زوسپن نخست وزیر سوسیالیست برای اصلاح قانون اساسی و فراهم آوردن امکان تصویب منشور اروپایی را رد کرد. در این شرایط تغییر قانون اساسی و تصویب منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌ها کار را برای دولت و اکثریت

منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های
محلی و اقلیت، حمایت از زبان و
فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای را تضمین
می‌کند و آن را به عنوان جزئی از حقوق
و آزادی‌های اساسی به رسمیت

می‌شناسد. لکن حقوق جدیدی را برای
کسانی که با آن زبان صحبت می‌کنند، به
وجود نمی‌آورد.

فرهنگ‌های منطقه‌ای به نوعی به مفهوم ادامه
تمرکزگرایی نشدن نظام سیاسی کشور و قدرت
دادن به جوامع و مناطق است. این طیف خاطر
نشان می‌کند که فرانسه که از منادیان تکثر و
تنوع فرهنگی در گستره بین‌المللی است،
چگونه خود از تکثر زبانی و فرهنگی در
چارچوب قلمرو ملی خود حمایت نمی‌کند؟

از نظر این طیف: «تصمیم شورای قانون
اساسی، مبنی بر مخالفت با زبان‌ها و
فرهنگ‌های محلی، گر چه مبتنی بر قانون
اساسی است، یک تصمیم واپسگرایانه است.
ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن در
بسیاری از زمینه‌ها و موضوع‌ها، تنوع به
رسمیت شناخته شده است. آزادی اعمال و
گفتگو به زبان انتخابی خود و توسعه
فرهنگ‌های محلی جزئی از حقوق اساسی
افراد است. حق داشتن اختلاف حرف
بیهوده‌ای نیست. جمهوری فرانسه به قدر
کافی قوی است و از ثبات کافی برخوردار
است و از شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های

مختلف کشور ضربه نخواهد خورد».
موافقان زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی
مطرح می‌کنند که فرانسه چگونه می‌خواهد
مهد حقوق بشر و دموکراسی باشد، اما یکی
از آزادی‌های اساسی آن را به رسمیت
نشناسد و این امر فرانسه را در اروپا منزوی
خواهد کرد.

موافقان هم‌چنین می‌گویند شورای قانون
اساسی تفسیر بنیادگرایانه و محدود کننده‌ای
از جمهوری دارد و به ابتکارات و خواست
مردم اجازه ظهور نمی‌دهد و از طرفی تفسیر
از برابری همه در برابر قانون اساسی با
یکپارچگی همه مردم خلط شده است و
برابری به معنای یکنواختی و یک شکل بودن
نیست. این در حالی است که فرانسه به پول
واحد اروپایی، یورو، که واحدی ملی نیست
پیوسته است.

هم اکنون عده زیادی از مردم فرانسه با
زبان‌های محلی و منطقه‌ای موافق هستند و
دست‌کم این که در برابر آن حساسیت ندارند.
از نظر موافقان، زبان‌های محلی نه تنها
لطمه‌ای به وحدت ملی و زبان فرانسه به عنوان
زبان جمهوری وارد نمی‌سازد و آن را
تضعیف نمی‌کند، بلکه شناسایی زبان‌ها و
فرهنگ‌های مختلف کشور، باعث شناسایی
میراث فرهنگی و غنای زبان فرانسه شده و این
زبان‌ها سرچشمه غنای فرهنگی کشور است و
از طرفی این زبان‌ها در زبان فرانسه نیز ریشه
دوانیده و در آن به کار می‌رود.

موافقان با طرح این که تعدد و تکثر زبانی
و فرهنگی وحدت کشور را به خطر

خصوصاً اکنون که مشکلی برای زبان فرانسه به عنوان زبان اصلی و مشترک کشور نیست.

ترس از تضعیف زبان فرانسه به عنوان عامل وحدت و یکپارچگی کشور، ریشه در تاریخ فرانسه دارد. این در حالی است که گاهی وحدت کشور با یک شکلی و یکنواخت کردن کشور مخلوط می‌شود. مثلاً به‌رغم گستره زبان کاتالان در اسپانیا و در شهر بارسلون زبان اسپانیایی در این منطقه از بین نرفته است.

برعکس در دو قرن گذشته حاکمیت زبان فرانسه باعث از بین رفتن و تضعیف زبان‌های محلی شده است. هم اکنون بیشتر فرانسویان، زبان دوم خود را از دست داده و فقط به فرانسه صحبت می‌کنند. بعضی معتقدند شناختن زبان‌های محلی به نفع زبان انگلیسی نیست و عملاً به ضرر زبان انگلیسی است و بسیاری از افراد به جای فراگیری زبان انگلیسی، زبان دوم منطقه‌ای خود را فراموش می‌گیرند. و فراگیری زبان دوم در کنار زبان فرانسه بهتر از فراگیری زبان انگلیسی است.

با توجه به فشارهای مناطق و جناح‌های سیاسی، ژاک شیراک در تاریخ ۵ ژوئیه سال ۱۹۹۹ اجرای یک قانون - برنامه برای توسعه زبان‌های محلی را خاطر نشان ساخت و در عین حال بر مخالفت خود با تجدید نظر و اصلاح قانون اساسی تأکید ورزید. وی اعلام کرد: «موافق شکوفایی کامل زبان‌های محلی در زمینه‌های آموزش، رسانه‌ها، امور فرهنگی و زندگی اقتصادی است. در این میان بعضی از اصول منشور اروپایی زبان‌های محلی

نمی‌اندازد، با نظریه ژاکوبین‌ها مبنی بر اهمیت بخشیدن و زنده نگهداشتن فضای سیاسی - روانی دوره ناپلئون و جمهوری سوم فرانسه و نظامی کردن کشور، مخالفند و این فضا را مربوط به گذشته و قدیمی می‌دانند.

کلود آلگر وزیر پیشین آموزش ملی فرانسه موضع میانه‌ای دارد. وی با حمایت از زبان‌های محلی معتقد است این زبان‌ها موجب غنای فرهنگی کشور است و البته این زبان‌ها در سطح برابر با زبان فرانسه نیستند و از وضعیت اختیاری در نظام آموزش برخوردارند در حالی که زبان فرانسه اجباری است.

ریشه‌های تاریخی و فرهنگی

یکی از زبان‌شناسان برجسته فرانسوی Alain Rey، گردآورنده فرهنگ بزرگ روبرت، معتقد است که در دو قرن گذشته تلاش زیادی برای فرانسوی کردن کشور شده است. و هم اکنون کشور از اقتدار، وحدت و ثبات برخوردار است و شناسایی زبان‌های محلی لطمه‌ای به زبان فرانسه و یکپارچگی کشور نخواهد زد.

وی معتقد است مشکل زبان‌های محلی در کشورهای همسایه مثل آلمان، بلژیک، اسپانیا، ایتالیا، هلند و انگلستان وجود ندارد و در انگلستان مناطق ولز و اسکاتلند زبان خاص و پارلمان خاص خود را دارند.

بنابر اصل دوم قانون اساسی، زبان فرانسه زبان جمهوری است. برخی معتقدند این امر به معنای رد و طرد زبان‌های دیگر نیست.

نرماندی، Gallo، Picard، Potevin،
Morvandiau، Champenois و
Saitongeais

از طرفی زبان‌های مناطق و سرزمین‌های
ماوراء بحار فرانسه در منطقه کارائیب و
پاسفیک مثل زبان تاهیتی و کاناک نیز مطرح
است.

بنا بر تاریخ فرهنگی فرانسه، در سال
۱۸۶۳ از ۳۰ میلیون جمعیت فرانسه دست‌کم
۲۵٪ اصلاً به زبان فرانسه حرف نمی‌زدند.
هم‌چنین در ۸۳۸۱ بخش از ۳۷۰۰۰ بخش
کشور، فرانسه به عنوان زبان خارجی تلقی
می‌شد. با توجه به این وضعیت، حساسیت به
فراگیر کردن زبان فرانسه بالا گرفت و زبان
فرانسه به عنوان زبان واحد و رسمی کشور در
قانون اساسی قلمداد شد. متعاقباً در سال
۱۹۵۱ فراگیری زبان‌های محلی صرفاً اختیاری
اعلام شد و کم‌تر مورد حمایت حاکمیت قرار
گرفت. قبل از جنگ جهانی دوم فقط حدود
۱/۱ میلیون از جمعیت فرانسه زبان محلی خود
را صحبت می‌کردند. و از این زمان فرانسه
اهمیت بیشتری یافت و مورد حمایت
حکومت قرار گرفت.

در سال ۱۹۹۷ از ۱۲ میلیون دانش‌آموز
فرانسوی، ۳۳۵ هزار دانش‌آموز به فراگیری
زبان منطقه‌ای خود اهتمام داشته‌اند. در همین
سال در منطقه پروتان از ۱/۵ میلیون نفر
جمعیت، ۲۴۰ هزار نفر به صحبت به زبان
Breton قادر بوده‌اند. در سال‌های اخیر عده
دانش‌آموزان برای فراگیری زبان دوم افزایش
یافته است به طوری که کمبود معلم احساس
می‌شود.

در بین موافقان «منشور اروپایی زبان‌ها
و فرهنگ‌های محلی و اقلیت» در
فرانسه، اکثریت چپ مجلس، دولت
سوسیالیست و شخص نخست وزیر
قرار دارد.

می‌توانند در چارچوب یک قانون - برنامه
گنجانده شود. اما با توجه به اصل
تفکیک‌ناپذیری جمهوری، برابری در برابر
قانون و یکپارچگی ملت فرانسه و با توجه به
خطر اعطای حقوق ویژه به جوامع و مناطق
زبانی سازمان یافته، وی بر امتناع خود از تغییر
قانون اساسی بار دیگر تأکید می‌کند.

خاطر نشان می‌شود فرانسه ۲۷ ماده از
«منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی
و اقلیت» را امضا کرده و همان مواد را
می‌خواهد در قانون - برنامه مورد نظر ژاک
شیراک لحاظ کند. در این میان، ۳۷ ماده از ۳۹
ماده منشور اروپایی هیچ‌گونه نیازی به اصلاح
قانون اساسی ندارد و فقط ۲ ماده آن مسئله‌ساز
و مغایر با قانون اساسی شمرده می‌شود.

اهمیت زبان‌های محلی

فرانسه با توجه به گسترش ارضی خود و
جمعیت ۶۰ میلیونی و داشتن تاریخ کهن
زبان‌های محلی متعددی دارد که عمده‌ترین
این زبان‌ها عبارتند از:

زبان‌های Breton، Corse، باسک،
کاتالان، آلزاس، Occitan، Mojellan،
آلمانی، Provençal، Creole، هلندی،

ترس از تضعیف زبان فرانسه به عنوان عامل وحدت و یکپارچگی کشور، ریشه در تاریخ فرانسه دارد. این در حالی است که گاهی وحدت کشور با یک شکلی و یکنواخت کردن کشور مخلوط می‌شود.

تصویب منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی، شناسایی تکثر و تعدد زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی در چارچوب وحدت ملی است که برای نیل به آن سه مرحله مهم وجود دارد:

- ۱- تعیین فهرست زبان‌های محلی.
 - ۲- تصویب منشور اروپایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی در مجلس.
 - ۳- پروسه اجرایی ترتیبات لازم برای توسعه زبان‌های محلی.
- به منظور شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی، رئیس جمهوری و نخست وزیر باید مشترکاً طرحی را برای اصلاح قانون اساسی تهیه کنند تا مجلس‌های سنا و ملی در کاخ ورسای گردهم آیند و درباره این طرح بحث و تبادل نظر کنند. خاطر نشان می‌شود در فرانسه رئیس جمهوری می‌تواند تقاضای تجدید نظر در قانون اساسی یا مراجعه به آرای مردم و یا دعوت از دو مجلس برای شور و تبادل نظر را بدهد. در صورت موافقت نکردن رئیس جمهوری ۳ راه دیگر متصور است:

هم اکنون کلاس‌های آموزش زبان دوم، داوطلبانه در جوامع و مناطقی وجود دارد که انگیزه برای حفظ زبان محلی قوی است. البته این کلاس‌ها فقط در مدارس ابتدایی است. در این مناطق متون قانونی و قضایی بسیار مهم در برابر دادگستری باید به زبان‌های منطقه‌ای باشد. البته پروسه دادگاه به زبان‌های منطقه‌ای نیست و به زبان فرانسه است. هم‌چنین مناطق و جوامع می‌توانند متون رسمی خود را به زبان محلی خود چاپ کنند. این مناطق خواستار طرح زبان محلی خود و آموزش آن در رادیو و تلویزیون و در حال عرضه طرحی در این زمینه هستند.

چشم‌انداز کنونی

در اوضاع کنونی به رسمیت شناختن زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و تصویب منشور اروپایی آن یک موضوع عمده در زندگی سیاسی فرانسه شده است. در این میان عمدتاً جناح راست کشور و در رأس آن رئیس جمهوری مخالف با تغییر قانون اساسی به منظور به رسمیت شناختن این زبان‌ها و فرهنگ‌ها است. از طرف دیگر دولت چپگرا و اکثریت چپ مجلس اعم از سوسیالیست، کمونیست و سبزها موافق تجدید نظر در قانون اساسی و شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی و تصویب منشور اروپایی است. نتیجه این که در این موضوع فرهنگی، منشور اروپایی عملاً در برابری قانون اساسی ملی فرانسه قرار گرفته است. در این راستا اولین گام تعیین‌کننده برای

حساسیت زیاد در برابر پرترزی زبان
انگلیسی در گستره جهان و دل‌نگرانی از
حفظ موقعیت زبان فرانسه موجب
مخالفت با زبان‌های محلی و منطقه‌ای
می‌شود.

ملی و سنا بنا بر ماده ۸۹ قانون اساسی
می‌توانند طرحی را برای اصلاح قانون
اساسی عرضه کنند. البته این طرح باید به
تصویب اکثریت دو مجلس برسد که این امر
در آستانه انتخابات حساس رییس جمهوری
سال ۲۰۰۲ دشوار به نظر می‌رسد. بحث به
همه‌پرسی گذاشتن این موضوع نیز گرچه در
برخی محافل مطرح است، چندان جدی
نیست.

به نظر می‌رسد در اوضاع کنونی فضای
سیاسی فرانسه، بیشتر جناح‌ها و شخصیت‌های
سیاسی با شناسایی زبان‌ها و فرهنگ‌های
محلی و منطقه‌ای موافق هستند و جناح راست
نیز بیشتر با قانونی شدن آن از طریق اصلاح
قانون اساسی مخالف است. و به نظر می‌رسد
بحث و اختلاف، بیشتر بر سر ضرورت
اصلاح کردن یا نکردن قانون اساسی در این
مقوله، به عنوان یک موضوع حساس،
باقی مانده است.*

سعید خالوزاده**

- ۱- دولت طرحی را برای اصلاح قانون
اساسی تهیه و برای پیگیری قانونی به ژاک
شیراک رییس جمهوری تقدیم کند.
- ۲- شیراک خودش طرحی را درباره
آموزش، فرهنگ و رسانه‌ها تهیه و در آن
زبانی را که در ادارات دولتی و نهادهای
عمومی تکلم می‌شود، قید نکند. در واقع
بدون اصلاح قانون اساسی عملاً زبان‌های
محلی شناسایی شوند و به کار روند.
- ۳- در صورت همکاری نکردن رییس
جمهوری، اکثریت نمایندگان مجلس‌های

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

* این گزارش با استفاده از منابع و مأخذ متعدد فرانسوی، اعم از اعلامیه‌ها و موضع‌گیری‌های حزبی، اظهارات
شخصیت‌های سیاسی، حقوق‌دانان، گزارش‌ها و مقاله‌های نشریات فرانسوی و پایگاه‌های اینترنت، تهیه شده است.
** کارشناس وزارت امور خارجه.